



Submit Date: 2024-11-18
Revise Date: 2025-01-09
Accept Date: 2025-01-20
Publish Date: 2025-03-15

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

Legal Foundations and the Impact of Electronic Litigation on the Fundamental Principles of Due Process in the Iranian Legal System

Alireza Poor Mollaei ¹, Amir Hamzeh Salarzaei*², Saeidsharafoddin Tabatabaei ³

1. Department of Law, Ki.C., Islamic Azad University, Kish Island, Iran.

2. Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran (Corresponding Author).

3. Department of Fiqh and Law, Zah.C., Islamic Azad University, Zahedan, Iran.

* Corresponding Author's Email: Amir_hsalar@theo.usb.ac.ir

ABSTRACT

Electronic litigation, as an innovative development in the Iranian legal system, has had profound impacts on fundamental principles of due process, such as the right to access justice, transparency, and the expeditious handling of proceedings. While this transformation offers advantages such as reducing trial delays and facilitating access to judicial services, it also presents challenges including the protection of privacy, equitable access to technology, and system security. In order to fully harness the benefits of electronic litigation, it is essential to uphold foundational principles of due process such as the observance of the right to defense, the public nature of trials, and the right to access evidence. This necessitates close cooperation among judicial institutions, legislators, and information technology experts. Additionally, essential measures for achieving fair and effective electronic litigation include training judges and judicial personnel on electronic evidence and cybercrimes, improving technical infrastructure, and promoting public awareness and cultural readiness.

Keywords: *Electronic litigation, fundamental principles of due process, Iranian legal system, right to defense, judicial transparency, access to justice, electronic evidence, cybercrime, privacy, technical infrastructure.*

How to cite: Poor Mollaei, A., Salarzaei, A.H., Tabatabaei, S.Sh. (2024). Legal Foundations and the Impact of Electronic Litigation on the Fundamental Principles of Due Process in the Iranian Legal System. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 2(4), 104-121.



تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۰۸/۲۸
 تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۰/۲۰
 تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۰۱
 تاریخ چاپ: ۱۴۰۳/۱۲/۲۵

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

مبانی حقوقی و تأثیرات دادرسی الکترونیکی بر اصول بنیادین دادرسی در نظام حقوقی ایران

علیرضا پورملائی^۱، امیرحمزه سالارزایی^۲، سعید شرف الدین طباطبائی^۳

۱. گروه حقوق، واحد کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران.

۲. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران (نویسنده مسئول).

۳. گروه فقه و حقوق، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران.

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: Amir_hsalar@theo.usb.ac.ir

چکیده

دادرسی الکترونیکی به عنوان تحولی نوین در نظام حقوقی ایران، تأثیرات عمیقی بر اصول بنیادین دادرسی مانند حق دسترسی به عدالت، شفافیت و سرعت رسیدگی دارد. این تحول با وجود مزایایی مانند کاهش اطاله دادرسی و تسهیل دسترسی به خدمات قضایی، چالش‌هایی همچون حفظ حریم خصوصی، برابری دسترسی به فناوری و امنیت سیستم‌ها را به همراه دارد. برای بهره‌برداری کامل از مزایای دادرسی الکترونیکی، ضروری است که اصول بنیادین دادرسی مانند رعایت حقوق دفاعی، علنی بودن دادرسی و حق دسترسی به ادله به طور کامل رعایت شوند. این امر نیازمند همکاری بین نهادهای قضایی، قانون‌گذاران و متخصصان فناوری اطلاعات است. همچنین، آموزش قضات و کارکنان قضایی درباره ادله الکترونیکی و جرایم سایبری، بهبود زیرساخت‌های فنی و فرهنگ‌سازی در جامعه از جمله اقدامات ضروری برای تحقق دادرسی الکترونیکی عادلانه و کارآمد است.

کلیدواژگان: دادرسی الکترونیکی، اصول بنیادین دادرسی، نظام حقوقی ایران، حقوق دفاعی، شفافیت قضایی، دسترسی به عدالت، ادله الکترونیکی، جرایم سایبری، حریم خصوصی، زیرساخت‌های فنی.

نحوه استناددهی: پورملائی، علیرضا، سالارزایی، امیرحمزه، طباطبائی، سعید شرف الدین. (۱۴۰۳). مبانی حقوقی و تأثیرات دادرسی الکترونیکی بر اصول بنیادین دادرسی در نظام حقوقی ایران. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۲(۴)، ۱۰۴-۱۲۱.



مقدمه

با رشد گسترده و روزافزون فناوری‌های نوین به ویژه در فضای سایبری، ما با تغییرات و تحولات کمی و کیفی مواجهیم که از جمله این موضوعات، مبحث ادله الکترونیک و فرصت‌ها و چالش‌های مربوط به اعتبار و استناد به آن‌ها است. در عصر جدید داده‌های مندرج در اینترنت و دنیای مجازی در صورتی که صحت انتساب آن‌ها به اشخاص حقیقی یا حقوقی اثبات شود می‌تواند به عنوان ادله در دعاوی مطرح باشند و در مورد مسایل حقوقی به قاضی کمک شایانی بکند (Pourghahramani & Ghaderi, 2022).

مهمترین بخش از دادرسی ناظر به ادله اثبات دعوا است. دلایل موجود در سامانه‌های رایانه‌ای به صورت الکترونیکی هستند. ویژگی‌های خاص این ادله با چالش جدی مواجه هستند. جمع‌آوری اینگونه ادله، مستلزم رعایت قواعد و ضوابط قانونی است، عدم رعایت این مقررات و ضوابط، تمامیت، اعتبار و انکارناپذیری ادله را، زیر سوال برده و موجبات رد ادله توسط محاکم را فراهم می‌نماید (Tadayyon, 2012).

در جوامع مدنی، مراجعه به دادگستری و احقاق حق، یکی از حقوق اولیه و مسلم شهروندان به شمار می‌رود. تا قبل از پیدایش رایانه، نرم افزار و به ویژه ظهور و گسترش شاهراه‌های اطلاعاتی یا اینترنت، مراجعه حضوری اصحاب دعوی و استفاده از قالب‌های کاغذی، برای هر نوع دادرسی ضروری و اجتناب ناپذیر بود. دادرسی و رسیدگی به دعاوی یکی از ارکان مهم و حاکمیتی در جوامع و شهرهای مرسوم است به همین لحاظ، ارایه این خدمات به صورت الکترونیک نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. شهروندان انتظار دارند. خدمات قضایی با سرعت و سهولت و با حداقل نیاز به حضور فیزیکی در اختیار ایشان قرار گیرد (Esmaeili, 2021).

در حال حاضر درنظام حقوقی ایران با توجه به مجازی شدن برخی دادگاه هادرموقعیت کنونی از اهمیت بسیاری برخوردار شده است. به همین لحاظ، ارائه این خدمات به صورت الکترونیک نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

روش تحقیق

این پژوهش با استفاده از روش **تحلیلی-توصیفی** انجام می‌شود. در این روش، ابتدا داده‌ها و اطلاعات مرتبط با موضوع تحقیق جمع‌آوری شده و سپس به تحلیل و بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود. هدف این روش، ارائه توصیفی دقیق از موضوع و تحلیل چالش‌ها و مسائل مرتبط با آن است. گردآوری اطلاعات در این پژوهش به روش **کتابخانه‌ای-اسنادی** انجام می‌شود. این روش شامل مراجعه به منابع مختلفی مانند کتاب‌ها، مقالات علمی، پایان‌نامه‌ها، قوانین و مقررات، و همچنین پایگاه‌های اطلاعاتی و اینترنتی است. در این تحقیق، کتاب‌ها و مقالات حقوقی که به موضوعات مرتبط با **ادله الکترونیکی، دادرسی الکترونیکی، و اصول بنیادین دادرسی** پرداخته‌اند، به عنوان منابع اصلی تحقیق مورد استفاده قرار می‌گیرند. ابزار اصلی گردآوری اطلاعات در این پژوهش، **فیش‌برداری** است. این روش به عنوان یکی از روش‌های معمول در تحقیقات علوم انسانی، امکان سازماندهی و دسته‌بندی اطلاعات را فراهم می‌کند. در فرآیند فیش‌برداری، اطلاعات مرتبط با موضوع تحقیق از منابع مختلف استخراج شده و در قالب فیش‌های تحقیقاتی ثبت می‌شوند. هر فیش شامل اطلاعاتی مانند عنوان منبع، نویسنده، سال انتشار، و خلاصه‌ای از مطالب مرتبط است. پس از جمع‌آوری فیش‌ها، آن‌ها بر اساس موضوعات و سؤالات تحقیق دسته‌بندی و سازماندهی می‌شوند.

چارچوب نظری

تعریف دادرسی الکترونیکی

دادرسی الکترونیکی به استفاده از فناوری‌های دیجیتال و اینترنت در فرآیندهای قضایی اطلاق می‌شود. این سیستم با هدف تسهیل

شوند که هماهنگی بین پیشرفت‌های فناوری و اصول حقوقی سستی را تضمین کنند. یکی از مهم‌ترین مبانی، قانونی بودن دادرسی الکترونیکی است که به معنای تصویب قوانین خاص برای به رسمیت شناختن استفاده از ابزارهای دیجیتال در نظام قضایی است. بدون وجود چنین قوانینی، دادرسی الکترونیکی فاقد اعتبار حقوقی خواهد بود (Ansari Far, 2016).

امنیت داده‌ها و حریم خصوصی

یکی از چالش‌های اصلی دادرسی الکترونیکی، حفظ امنیت داده‌ها و حریم خصوصی افراد است. مبانی حقوقی این حوزه باید شامل قوانینی باشد که از دسترسی غیرمجاز به اطلاعات، تغییر یا تخریب داده‌ها جلوگیری کند. استفاده از رمزنگاری، سیستم‌های احراز هویت پیشرفته و پروتکل‌های امنیتی از جمله راه‌حل‌هایی است که در قوانین مربوط به دادرسی الکترونیکی باید به آن‌ها توجه شود. همچنین، حریم خصوصی طرفین دعوا و اشخاص ثالث باید در تمام مراحل دادرسی الکترونیکی محافظت شود (Eftekhari, Jahromi & Al-San, 2014).

دسترسی عادلانه به فناوری

مبانی حقوقی دادرسی الکترونیکی باید دسترسی عادلانه به فناوری را برای همه افراد تضمین کند. این به معنای فراهم آوردن امکانات لازم برای افرادی است که ممکن است به دلیل محدودیت‌های مالی، جغرافیایی یا فنی نتوانند از ابزارهای دیجیتال استفاده کنند. قوانین باید الزاماتی را برای دولت‌ها و نهادهای قضایی تعیین کنند تا زیرساخت‌های لازم را در اختیار عموم قرار دهند و آموزش‌های مورد نیاز را ارائه دهند.

اعتبار اسناد الکترونیکی

یکی از مبانی مهم حقوقی دادرسی الکترونیکی، اعتبار اسناد الکترونیکی است. قوانین باید مشخص کنند که اسناد دیجیتالی مانند ایمیل‌ها، فایل‌های صوتی و تصویری، و سایر مدارک الکترونیکی در چه شرایطی معتبر هستند و چگونه می‌توان از آن‌ها به عنوان

و تسریع در رسیدگی به پرونده‌ها و افزایش دسترسی به عدالت طراحی شده است. دادرسی الکترونیکی شامل ابزارهایی مانند سیستم‌های مدیریت پرونده‌های الکترونیکی، ویدئوکنفرانس برای جلسات دادگاه، و ارسال الکترونیکی اسناد و مدارک است. این روش نه تنها هزینه‌ها و زمان رسیدگی را کاهش می‌دهد، بلکه دسترسی به عدالت را برای افرادی که به دلایلی مانند مسافت یا محدودیت‌های فیزیکی قادر به حضور فیزیکی در دادگاه نیستند، فراهم می‌کند. دادرسی الکترونیکی به دو نوع اصلی تقسیم می‌شود: دادرسی آنلاین که در آن تمام فرآیندها به صورت مجازی انجام می‌شود، و استفاده از فناوری‌های دیجیتال در دادگاه‌های سنتی که ترکیبی از روش‌های قدیمی و جدید است (Etemadi, 2005).

اصول بنیادین دادرسی

اصول بنیادین دادرسی شامل مواردی مانند اصل علنی بودن، اصل برابری سلاح‌ها، حق دفاع، و اصل استقلال قضایی است. اصل علنی بودن به معنای برگزاری جلسات دادگاه به صورت عمومی و قابل مشاهده برای عموم است تا شفافیت و اعتماد به نظام قضایی افزایش یابد. اصل برابری سلاح‌ها به این معناست که هر دو طرف دعوا باید از فرصت‌های برابر برای ارائه ادله و دفاع از خود برخوردار باشند. حق دفاع نیز به هر فرد این امکان را می‌دهد که در برابر اتهامات از خود دفاع کند. اصل استقلال قضایی نیز به معنای تصمیم‌گیری قضات بر اساس قانون و عدالت، بدون تأثیرپذیری از فشارهای خارجی است. این اصول در هر سیستم دادرسی، از جمله دادرسی الکترونیکی، باید رعایت شوند تا عدالت به طور کامل اجرا شود (Eftekhari Jahromi & Al-San, 2014).

مبانی حقوقی دادرسی الکترونیکی

مبانی حقوقی دادرسی الکترونیکی به مجموعه قوانین، مقررات و اصولی اشاره دارد که استفاده از فناوری‌های دیجیتال در فرآیندهای قضایی را تنظیم و تسهیل می‌کند. این مبانی باید به گونه‌ای طراحی

مشخص کنند که در صورت بروز خطاهای فنی، نقض حریم خصوصی یا اختلال در سیستم‌های الکترونیکی، چه کسی مسئول است و چگونه باید خسارات جبران شود. این امر اعتماد عمومی به دادرسی الکترونیکی را افزایش می‌دهد.

هماهنگی بین‌المللی

با توجه به ماهیت فرامرزی اینترنت و فناوری‌های دیجیتال، مبانی حقوقی دادرسی الکترونیکی باید شامل قوانینی برای هماهنگی بین‌المللی باشد. این شامل توافق‌نامه‌هایی برای به رسمیت شناختن اسناد الکترونیکی، همکاری در زمینه‌های امنیتی و حل اختلافات فرامرزی است. بدون چنین هماهنگی‌هایی، اجرای دادرسی الکترونیکی در سطح جهانی با چالش‌های جدی مواجه خواهد شد.

آینده دادرسی الکترونیکی

مبانی حقوقی دادرسی الکترونیکی باید به گونه‌ای طراحی شوند که انعطاف‌پذیر بوده و بتوانند با پیشرفت‌های فناوری همگام شوند. این شامل به‌روزرسانی قوانین، ایجاد نهادهای نظارتی جدید و آموزش قضات و وکلا برای استفاده از فناوری‌های نوین است. دادرسی الکترونیکی به عنوان یک تحول بزرگ در نظام قضایی، نیازمند پایه‌های حقوقی محکم و پیشرفته است تا بتواند به طور مؤثر در خدمت عدالت قرار گیرد (Ashouri, 2006).

پایبندی دادرسی الکترونیکی به اصول بنیادین دادرسی

بند اول: اصل دسترسی به نسخه کاغذی در دادرسی الکترونیک
فناوری اطلاعات و ارتباطات آمده است تا کاغذ را با زدایش هر عنصر مادی از جریان رسیدگی قضایی حذف کند، اما به باور نگارندگان همچنان اصل دسترسی به نسخه کاغذی یکی از اصول مبنایی فرایند دادرسی الکترونیک است. درست است که پیشرفت و توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات و فناوریهای ارتباطی مزیت‌های بسیاری نسبت به سامانه مبتنی بر کاغذ دارد، اما توسعه بیش از حد این فناوریها و جایگزینی کاغذ با داده پیام ممکن است

ادله در دادگاه استفاده کرد. همچنین، قوانین باید روش‌های احراز اصالت و یکپارچگی اسناد الکترونیکی را تعیین کنند (Stanley, 2012).

شفافیت و علنی بودن دادرسی

در دادرسی الکترونیکی، اصل علنی بودن و شفافیت باید همچنان رعایت شود. مبانی حقوقی باید تضمین کنند که جلسات دادگاه آنلاین به گونه‌ای برگزار شوند که امکان نظارت عمومی را فراهم کنند. این شامل پخش زنده جلسات، ثبت دقیق وقایع و دسترسی به پرونده‌های الکترونیکی برای عموم (در صورت لزوم) است. البته، این شفافیت باید با رعایت حریم خصوصی افراد همراه باشد (Ensafdoost et al., 2023).

حق دفاع در دادرسی الکترونیکی

حق دفاع یکی از اصول بنیادین دادرسی است که در دادرسی الکترونیکی نیز باید رعایت شود. مبانی حقوقی باید تضمین کنند که طرفین دعوا بتوانند از ابزارهای دیجیتال برای ارائه دفاعیات خود استفاده کنند. این شامل دسترسی به وکیل، امکان ارسال ادله الکترونیکی و شرکت در جلسات آنلاین است. همچنین، قوانین باید اطمینان دهند که هیچ یک از طرفین به دلیل محدودیت‌های فناوری از حق دفاع محروم نشوند.

استقلال قضایی در دادرسی الکترونیکی

استقلال قضایی در دادرسی الکترونیکی نیز باید حفظ شود. مبانی حقوقی باید تضمین کنند که قضات بتوانند بدون تأثیرپذیری از فشارهای خارجی یا دستکاری در سیستم‌های دیجیتال، تصمیم‌گیری کنند. این شامل ایجاد مکانیسم‌های امنیتی برای جلوگیری از نفوذ به سیستم‌های قضایی و تأمین امنیت اطلاعات مربوط به پرونده‌ها است (Azartash & Azartash, 2009).

مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی

در دادرسی الکترونیکی، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی نهادهای قضایی و فنی باید به طور دقیق تعریف شود. مبانی حقوقی باید

باشد آمده است. تمام قانون آیین دادرسی مدنی سال ۱۳۷۹ بنیاد شیوه و نگاه پیشا الکترونیک تدوین شده است. از سوی دیگر در ماده ۶۵۵ قانون آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳ که ادامه مواد قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ را پی گرفته است به وضعیت وارونه کاغذ داده و نه داده کاغذ اشاره شده است. به بیان دیگر در این ماده آن چنان که گفته شد، به کفایت و اعتبار صورت الکترونیکی یا محتوای الکترونیکی آن حسب مورد با رعایت سازوکارهای امنیتی مذکور در مواد این قانون و تبصره‌های آن اشاره شده است که ناظر به بسندگی و ارزش آن نسبت به کاغذ است پس از این ماده به سادگی میشود دریافت که همچنان کاغذ در آیینهای دادرسی روان و حکم آن روا است و تنها صورت یا محتوای الکترونیک برابر کافی و معتبر آن است. وانگهی برابر حکم تبصره ۱ این ماده، شکل یا نحوه تبادل اطلاعات الکترونیک در اعتبار محتوا یا پدیداری آثار قانونی آن اثر ندارد که باز به بیانی دیگر، نفی کاغذ به کلی را به عنوان یک شکل مطرود میداند.^۲

بر این بنیاد اگر به حکم ماده ۴ آیین نامه نحوه استفاده از سامانههای رایانه‌ای یا مخابراتی مصوب ۱۳۹۵ رییس وقت قوه قضاییه دوباره نگریسته شود هویدا و آشکار میشود که این ماده نیز نافی اعتبار ارزش کاغذ و اصل دسترسی به کاغذ نیست و اساساً این اصل دسترسی به نسخه کاغذی را نمیتوان به باور نگارندگان مصداق اقدامات موازی در فضای غیر الکترونیکی دانست که ممنوع است». باری، مفهوم نفی اقدام موازی که توجیه پذیر است در این خلاصه میشود که نباید اقداماتی انجام داد که مبدا؛ منشا آثار موازی در

علم و آگاهی و حقوق مکاتبه افراد را مخدوش کند چرا که کاغذ دارای عینیت است و همواره مانعی عیان برای مقابله با فراموشی است.^۱ با این وصف، گرچه قانونگذار اساس پرونده‌های دادرسی را بر کاغذ استوار نموده است و به نظر میرسد این اساس، همچنان چه در عمل و چه در نظر، پابرجا باشد مواد ۴۸ و ۶۷ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب سال ۱۳۷۹ که از تقدیم نسخه کاغذی دادخواست و ابلاغ چنین نسخه‌ای سخن گفته)، حق بر نسخه کاغذی در ماده ۴ آیین نامه نحوه استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی مصوب ۱۳۹۵ رئیس وقت قوه قضاییه تا اندازه زیادی تحدید شده است. این ماده چنین مقرر داشته در صورت ایجاد و فراهم بودن امکانات، لازم اقدامات الکترونیکی موضوع این آیین نامه با شرایط مقرر در سامانه رایانه‌ای و سامانه مخابراتی جایگزین اقدامات غیر الکترونیکی خواهد شد اقدامات موازی در فضای غیر الکترونیکی ممنوع است جایگزینی اقدامات الکترونیک به شرط فراهم بودن امکانات و نفی اقدامات موازی در فضایی که الکترونیک نیست چنانچه با در نظر گرفتن این حق انجام نشود، اصل کفایت داده پیام را که در ماده ۶ قانون تجارت الکترونیک مصوب سال ۱۳۸۲ آمده ۲ و سپس در ماده ۶۶۵ قانون آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیک مصوب ۱۳۹۳ تکرار شده ۳ در معنای واقعی محقق نمیشود و چنین کفایتی پدید نمی‌آید (Ansari & Taheri, 2005; Bahrami, 2014; Jafari Langaroudi, 2013).

در قوانین ما نه حکمی میتوان یافت که این اصل را نفی کرده باشد و نه در قوانین حکمی که روش الکترونیک را تنها روش نامیده

سند کاغذی که تحت این شرایط صادر میشود باید به طور صریح ختم تبادل «داده پیام» را اعلام کند. جایگزینی اسناد کاغذی بهجای «داده پیام» اثری بر حقوق تعهدات قبلی طرفین نخواهد داشت» درباره این فروض و این اصل نیست گرچه در قسمت انتهایی آن به بقای حقوق و تعهدات قبلی که بر بنیاد داده پیام پدید آمده، اشاره دارد.

^۱ در عمل نیز کاغذ از همه فرایند رسیدگی قضایی حذف نشده است و اقدامات و نوشته‌های الکترونیک طرفین و نمایندگان ایشان و کارشناسان، در دفتر دادگاه چاپ شده و در پرونده کاغذی قرار میگیرد.
^۲ روشن است که حکم ماده ۹ قانون تجارت الکترونیک مصوب سال ۱۳۸۲ که مقرر داشته «هرگاه شرایطی به وجود آید که از مقطعی معین ارسال «داده پیام» خاتمه‌یافته و استفاده از اسناد کاغذی جایگزین آن شود

فضاهای الکترونیک و کاغذی شود. برای نمونه در حالی که اجراییه به صورت الکترونیک صادر و ابلاغ شده نباید مجدداً به شکل کاغذی صادر و ابلاغ شود و این ابلاغ منشا اثر نو در مهلت و موعد باشد اما این صدور و ابلاغ الکترونیک مانع آن نیست که ذینفع به دادگستری مراجعه کند و با بیان این که پیامکی در این باره دریافت نموده و به هر دلیل خواستار نسخه کاغذی صادر و مهر شده از دادگاه است در این صورت اصل دسترسی به نسخه کاغذی که ریشه در حق اطلاع و آگاهی اصحاب دعوا از دادرسی و جریان آن یا به تعبیری اصل رعایت حقوق دفاعی دارد از درستی این اجابت به این درخواست پشتیبانی میکند.

پس، اصل دسترسی به کاغذ در آیین دادرسی الکترونیک بدین معناست که دادخواهان میتوانند با وجود سوابق الکترونیک از صورت و محتوای الکترونیک همچنان از دادگستری صدور نسخه‌ای دیگر به صورت کاغذی را بخوانند و به هیچ روی نباید آن را در معنای اقدامات موازی در نظر گرفت (Jafari, 2009).

پرسشی که مطرح میشود این است که اگر میان این دو صورت یا محتوای این دو نسخه کاغذی و الکترونیک تعارضی باشد کدام یک مرجح است باید ملاک عمل باشد؟ درباره شق نخست این پرسش که باز در قانون برایش حکمی نیست میشود گفت که اگر کاغذ مقدم بر نسخه الکترونیک صادر و تسلیم و ابلاغ شده است این نسخه به سبب ایجاد و تحقق منشا اثر بر دیگر صورتهای محتواها از جمله صورت و محتوای الکترونیک مرجح است. حتی ممکن است ادعا شود این راهکار صرف نظر از مقوله منشا اثر یا ایجاد حق همیشه در این فرض پذیرفتنی است. اما در فرض عکس پذیرش این راهکار با چالش بسندگی (کفایت) و ارزش اعتبار) موضوع ماده ۶۵۵ قانون بالا گفته و بخش اخیر ماده ۹ قانون تجارت الکترونیک که بیان نموده جایگزینی اسناد کاغذی به جای «داده» پیام اثری بر حقوق و تعهدات قبلی طرفین نخواهد داشت

رو به روست و به سادگی نمیشود در فرضی که صورت و محتوای الکترونیک مقدم بر شکل کاغذی صادر و ابلاغ شده است آن را کنار گذاشت یا با کاغذ آثار آن را از بین برد.

به هر روی صرف نظر از این که فرض تعارض میان این دو صورت فرضی دشوار مینماید چرا که باید این شکل کاغذی چاپ همان شکل الکترونیک باشد یا صورت و محتوایی دیگر که در فرض اخیر این پرسش مطرح نمی شود پس اگر بی آن که ادعایی درباره جعلیت در صورت و محتوای الکترونیک مطرح شده باشد چنین تعارضی پدید آید اگر گفته شود همان صورت و محتوای الکترونیک بسنده و معتبر است، این سخن پذیرفتنی خواهد بود، وانگهی، همه این سخن محمول بر این اندیشه است که رضایت بر این وجود شیوه‌های نوین چه حقیقتاً و چه حکماً باشد که موضوع بند دوم این نوشته است (Ragheb Esfahani).

اصل امکان عدول از روش الکترونیک

ضرورت رویکرد توافقی به فناوری اطلاعات و ارتباطات در نظام قضایی: استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در فرآیند دادرسی نباید به صورت تحمیلی باشد، بلکه باید مبتنی بر رضایت طرفین باشد. این موضوع در قوانینی مانند تبصره ۱ ماده ۶۵۵ قانون آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و قانون تجارت الکترونیک سال ۱۳۸۲ مورد تأکید قرار گرفته است. بر این اساس، توافق طرفین در استفاده از روش‌های الکترونیکی برای تبادل اطلاعات و ارتباطات، اصل بنیادین است و این حق شامل پذیرش کلی یا جزئی فناوری نیز می‌شود. این رویکرد تضمین‌کننده آگاهی و رضایت طرفین و همچنین حمایت از افراد ناآشنا با ابزارهای الکترونیکی است.

چالش‌ها و مزایای دادرسی الکترونیکی: دادرسی الکترونیکی با وجود مزایایی مانند سرعت و کاهش هزینه‌ها برای ارائه‌دهندگان خدمات، ممکن است برای مصرف‌کنندگان هزینه‌بر و زمان‌بر باشد. بسیاری از افراد با نحوه استفاده از رایانه و اینترنت آشنا نیستند، بنابراین توافقی بودن استفاده از این ابزارها ضروری است. این

اصل نه تنها در پذیرش روش‌های الکترونیکی، بلکه در عدول از آن‌ها نیز باید رعایت شود. در حقوق فرانسه، این موضوع به صراحت در مواد ۷۴۸-۸ و ۷۴۸-۹ کد آیین دادرسی مدنی تصریح شده است (Soltani, 2022).

تجربه ایران در زمینه دادرسی الکترونیکی: در ایران، قبل از سال ۱۳۸۸، ابلاغ الکترونیکی اوراق قضایی به صورت توافقی و با رضایت طرفین انجام می‌شد. پس از آن، قوانینی مانند ماده ۶۵۹ قانون آیین دادرسی سال ۱۳۹۳ و آیین‌نامه‌های مربوطه، استفاده از سامانه‌های الکترونیکی را مشروط به احراز هویت و ثبت مطمئن سوابق کرده‌اند. ایجاد حساب کاربری در سامانه ثنا و ارائه اطلاعات تماس، از جمله روش‌های رضایت‌محور در نظام قضایی ایران است.

امکان عدول از روش‌های الکترونیکی: یکی از چالش‌های مهم در دادرسی الکترونیکی، امکان عدول از این روش‌ها پس از شروع فرآیند است. در حالی که قوانین ایران صراحتاً به این موضوع نپرداخته‌اند، اما بر اساس اصل رضایت‌محوری و ماده ۹ قانون تجارت الکترونیک، عدول از روش‌های الکترونیکی باید امکان‌پذیر باشد. این موضوع به ویژه برای افرادی که با مشکلات فنی یا هزینه‌های اضافی مواجه می‌شوند، اهمیت دارد.

تفکیک بین اشخاص حرفه‌ای و عادی در عدول از روش‌های الکترونیکی: وکلای دادگستری و کارشناسان رسمی به دلیل مسئولیت‌های حرفه‌ای خود، ممکن است نتوانند به راحتی از روش‌های الکترونیکی عدول کنند. اما در دعاوی شخصی، آن‌ها نیز باید حق عدول داشته باشند. برای اشخاص عادی، تغییر اطلاعات در سامانه ثنا یا درخواست مسدود کردن حساب کاربری، راه‌های قانونی برای عدول از روش‌های الکترونیکی است. این رویکرد مبتنی بر اصل رعایت حقوق دفاعی و حمایت از طرف‌های ضعیف‌تر در فرآیند دادرسی است (Ashouri, 2006).

الزامات اصل برتر حقوق دفاعی در دادرسی الکترونیک

اهمیت اصل رعایت حقوق دفاعی در دادرسی: اصل رعایت حقوق دفاعی یکی از بنیادی‌ترین اصول دادرسی است که ریشه در حقوق طبیعی دارد و تضمین‌کننده مشروعیت و درستی فرآیند قضایی است. این اصل نه تنها حق دادخواهی و دفاع را برای طرفین دعوا تضمین می‌کند، بلکه استقلال و بی‌طرفی دستگاه قضایی را نیز تقویت می‌نماید. حقوق دفاعی شامل حق دسترسی به اطلاعات، حق ترجمه، حق انتخاب وکیل و علنی بودن دادرسی است و قاضی را موظف می‌کند تا در فاصله‌ای مطمئن از طرفین قرار گیرد تا بی‌طرفی خود را حفظ کند. این اصل در تمام مراحل دادرسی، از جمله در دادرسی‌های کتبی و شفاهی، جریان دارد و هدف آن تحقق عدالت و تضمین دادرسی عادلانه است.

چالش‌های دادرسی الکترونیکی و حمایت از طرف ضعیف‌تر: در دادرسی الکترونیکی، اصل رعایت حقوق دفاعی باید با نگاهی نو تفسیر شود تا از طرف ضعیف‌تر در فرآیند دادرسی حمایت گردد. طرف ضعیف‌تر لزوماً به معنای ضعف در ادعا یا دفاع نیست، بلکه به افرادی اشاره دارد که از نظر مالی، جسمی یا فنی توانایی استفاده از ابزارهای الکترونیکی را ندارند. دادگاه‌ها باید در مواردی که یکی از طرفین به دلیل ناتوانی مالی، جسمی یا عدم آشنایی با فناوری‌های دیجیتال قادر به استفاده از سامانه‌های الکترونیکی نیست، امکان استفاده از روش‌های سنتی را فراهم کنند. این رویکرد مبتنی بر اصل رعایت حقوق دفاعی است و هدف آن تضمین دسترسی عادلانه به عدالت برای همه است.

ضرورت توجه به ناتوانی‌ها و نقص‌های فنی در دادرسی الکترونیکی: در دادرسی الکترونیکی، ممکن است برخی افراد به دلیل عدم دسترسی به اینترنت، نقص در سامانه‌ها یا ناآشنایی با فناوری‌های دیجیتال، نتوانند از حقوق خود به‌طور کامل استفاده کنند. در چنین مواردی، دادگاه‌ها باید با استناد به اصل رعایت حقوق دفاعی، به ادعای عدم دسترسی یا نقص فنی رسیدگی کرده و در صورت اثبات، اقدامات حمایتی مانند تمدید مهلت‌ها یا

استفاده از روش‌های سنتی را در نظر بگیرند. این رویکرد نه تنها عدالت را تضمین می‌کند، بلکه از تحمیل دشواری‌های ناعادلانه به طرفین دعوا جلوگیری می‌نماید. در نهایت، اجرای درست این اصل موجب جبران ناتوانی‌ها در محیط مجازی و تحقق عدالت واقعی می‌شود (Linan Deblefon & Sattar, 2011).

تأثیرات دادرسی الکترونیکی بر اصول بنیادین دادرسی

اعتبار ادله الکترونیکی در دادرسیهای مدنی

ماده ۱۲ قانون تجارت الکترونیک بدون آن که تعریفی از ادله الکترونیک ارائه دهد، مقرر می‌دارد: «اسناد و ادله اثبات دعوا ممکن است به صورت داده پیام بوده و در هیچ محکمه یا اداره دولتی نمی‌توان بر اساس قواعد ادله موجود ارزش اثباتی داده پیام را صرفاً به دلیل شکل و قالب آن رد کرد». این ماده که در اصل برگردانی از ماده ۱۹ قانون نمونه آنسیتال در خصوص تجارت الکترونیک است ادله الکترونیک را به طور کلی مورد پذیرش قرار داده است. البته شایسته بود در انتهای این ماده ضمن بیان شکل و قالب دلیل الکترونیک از ارائه دلیل نیز سخن به میان می‌آمد. به هر روی، عبارات موجود در این ماده چنان آشکار است که راه هر گونه تردیدی را برای رد دلیلی از دلایل الکترونیک میندود (Shirzad, 2009).

گفته شده است^۱ هر چند قانون تجارت الکترونیک ادله الکترونیک را مورد پذیرش قرار داده است؛ در شرایط فعلی، این قانون فاقد ضابطه کلی در برابری دلیل الکترونیکی با دلایل غیر الکترونیک است و نیز افزوده‌اند که قانون یاد شده برابری نوشته و امضا الکترونیک با نوشته و امضا دستی را به شرایط خاصی مشروط ننموده است که چه بسا به این خاطر در این زمینه بتوان به ضابطه برابری میان سند الکترونیک با سند غیر الکترونیک دست یافت ماده ۱۴ قانون مورد اشاره می‌گوید «کلیه داده پیامهایی که به طریقه

مطمئن ایجاد و نگهداری شده اند از حیث محتویات و امضای مندرج در آن؛ تعهدات طرفین یا طرفی که تعهد کرده و کلیه اشخاصی که قائم مقام قانون آنان محسوب میشوند؛ اجرای مفاد آن و سایر آثار در حکم اسناد معتبر و قابل استناد در مراجع قضایی و حقوقی است. ماده ۱۵ نیز نسبت به داده پیام مطمئن انکار و تردید را مسموع ندانسته است. از این که قانونگذار برای داده پیام مطمئن چنین اعتباری قائل شده یعنی انکار و تردید را در مورد آن مسموع ندانسته است؛ شاید بتوان به این مهم دست یافت که انجام اقدامات برای حفظ تمامیت و اطمینان در داده پیام که در بردارنده هر نوع اطلاعات الکترونیک میگردد، چه بخواهند به عنوان دلیل به دادگاه ارائه گردند چه غیر آن باشند؛ به گونه‌ای میتواند باشد که به آن چنین اعتباری دهد؛ مثلاً در خصوص اسناد، به آن‌ها از لحاظ عدم استماع انکار و تردید و لزوم ادعای جعلیت اعتبار اسناد رسمی را دهد (Shiravi & Miri, 2008).

حال آن که مأمور رسمی‌ای آن را تنظیم ننموده است. اتکای قانونگذار بر به کار بستن روشهای امنیتی در هر کجای این قانون قابل مشاهده است. در بند «ح» ماده ۲ این قانون آمده است: «سیستم اطلاعاتی مطمئن، سیستم اطلاعاتی است که ۱ به نحوی معقول در برابر سوء استفاده و نفوذ محفوظ باشد؛ ۲. سطح معقولی از قابلیت دسترسی و تصدی را داشته باشد؛ به نحوی معقول متناسب با اهمیت کاری که انجام می‌دهد؛ پیکربندی و سازماندهی شده باشد؛ ۴ موافق با رویه ایمن باشد بند «ط» این ماده نیز می‌گوید: «رویه، ایمن رویه‌ای است برای تطبیق صحت ثبت داده پیام منشأ و قصد آن را تعیین تاریخ و برای یافتن هر گونه خطا و تغییر در مبادله محتوا و یا ذخیره سازی داده پیام...». از ذکر این مقررات به خوبی بر می‌آید که در نظر قانونگذار رعایت روشهای امنیتی در یک داده پیام آنچنان اهمیت دارد که در مواردی به آن

بند دوم: اعتبار اسناد الکترونیکی

نوشته، امضا و اصالت سه عنصر اصلی تشکیل دهنده صورت یک سند معتبر است. این سه عنصر در قانون تجارت الکترونیکی کاربرد زیادی دارند. طبق تعریف قانونی موجود، سند عبارت است از هر نوشته‌ای که در مقام دعوا یا دفاع قابل استناد باشد. (ماده ۱۲۸۴ ق.م.) تجارت نوین الکترونیکی نیز تا حدودی مبتنی بر «اعتماد» است، اما عمدتاً مقدمات معاملات طرفها و نیز توافقات آنان مستند به مدارک رایانه‌ای است. از این رو، امروزه به موجب قوانین مصوب مدارک رایانه‌ای از اعتبار مدارک «کاغذی» برخوردارند. معمولاً از لفظ «سند»، صورت کاغذی آن به ذهن می‌رسد، اما حقیقت آن است که صورت سند می‌تواند بسیار گسترده تر باشد و انواع عکس نوار ویدئو و ادله رایانه‌ای را نیز در بر بگیرد. امروزه در برخی نظامهای قضایی از جمله آمریکا و به ویژه کانادا تعریفی از سند ارائه شده که قابلیت تمسک به آن در خصوص ادله الکترونیکی هم فراهم است. برای مثال، بنا به تصریح آیین دادرسی مدنی ایالت انتاریو (کانادا)، «سند شامل یک صدای ضبط شده، نوار ویدئو، فیلم، عکس، نمودار جدول طرح تحقیق دفتر حسابداری و اطلاعات ضبط شده به وسیله هر گونه دستگاه است» (Katouzian, 2011).

همان طور که در ماده ۶ قانون تجارت الکترونیکی ایران آمده است: «هر گاه وجود یک نوشته از نظر قانون لازم باشد، داده «پیام» در حکم نوشته است. همچنین ماده ۱۳ بیان می‌کند: «به طور کلی ارزش اثباتی داده «پیامها» با توجه به عوامل مطمئن از جمله تناسب روش‌های ایمنی به کار گرفته شده با موضوع و منظور مبادله داده «پیام» تعیین میشود». در ماده ۱۴ این قانون نیز تأکید شده است کلیه داده پیامهایی که به طریق مطمئن ایجاد و نگهداری شده اند از حیث محتویات و امضای مندرج در آن تعهدات طرفین یا طرفی که تعهد کرده و کلیه اشخاصی که قائم مقام قانونی آنان محسوب میشوند، اجرای مفاد آن و سایر آثار در حکم اسناد معتبر و قابل

اعتبار سند رسمی می‌دهد. پس، در صورتی که روشهای امنیتی مورد نظر قانونگذار در هر دلیلی رعایت گردد با این توضیحات مشخص میگردد که در سایر ادله به غیر از سند و امضای الکترونیک نیز دست کم به طریق تساوی می‌توان به برابری دلیل الکترونیکی با دلیل کاغذی و به طور کل به برابری ادله الکترونیکی با ادله کاغذ محور یا دیگر ادله سنتی قائل بود (Gharjehloo, 2007).

همچنان که در پرونده باداسا علیه موکاسی، دادگاه استناد خواهان به اطلاعات موجود در دایره المعارف اینترنتی «ویکی پدیا» را نپذیرفت؛ با این استدلال که به مقالات موجود در این پایگاه داده نمیتوان اطمینان نمود این پرونده به خوبی این موضوع را نشان میدهد که دلایل الکترونیک و از جمله آن‌ها دلیلی که از اینترنت به دست می‌آید. در ابتدا باید روشن و بدون ابهام و دارای اعتبار باشد؛ پیش از آن که به دادگاه ارائه گردد.

در حال حاضر طیف وسیعی از ادله الکترونیکی در نظامهای حقوقی مطرح است. البته با عنایت به ماهیت دلیل ابرازی یا استنادی، آثار مختلفی بر آن مترتب می‌شود. در نظام حقوقی ایران با وجود حاکمیت نظام ادله سنتی در فرآیند دادرسی، امکان تمسک به صور مختلف ادله الکترونیکی در پرتو قوانین خاص یا قواعد عمومی حاکم بر قراردادهای، به ویژه قراردادهای خصوصی فراهم است که به طور گذرا به این مهم می‌پردازیم.

بند اول: اعتبار اقرار الکترونیکی

در جایی که یکی از دو طرف دعوا، ادله دارای منشأ رایانه‌ای را ارائه دهند، آن را به عنوان اقرار طرف مقابل میتوان پذیرفت در تعریف اقرار در ماده ۱۲۵۹ ق.م آمده است: «اقرار عبارت است از اخبار به حقی برای غیر به ضرر خود از تعریفی که قانون مدنی ارائه می‌دهد میتوان به معتبر بودن اقرار الکترونیکی پی برد. در توضیح این مورد باید گفت این اقرار معتبر و اقراری واقع شده در خارج از دادگاه محسوب می‌شود (Katouzian, 2011).

استناد در مراجع قضایی و حقوقی است.» برخورداری ادله الکترونیکی از محتوا، شکل و ساختار به این معنی است که اسناد الکترونیکی دارای اطلاعاتی است که انعکاس دقیقی از رخدادها را در زمان خاصی می‌نمایاند. ساختار این اسناد را میتوان به طریق الکترونیکی بازسازی کرد پس هر جزء از این ساختار، روی هم رفته یک کل را تشکیل میدهند بهترین راه برای حفظ محتوا، شکل و ساختار ادله الکترونیکی مدیریت آن‌ها در یک نظام مدیریت اسناد است. باید گفت که نظام نگه داری اسناد فقط بخشی از نرم افزار نیست بلکه چارچوب و ساختاری است که دفعات دریافت نگهداری و دسترسی به اسناد را امکان پذیر میکند (Kakavandi, 2022).

بند سوم: اعتبار شهادت الکترونیکی

هنگامی که ادله الکترونیکی حاوی اظهارات شخص ثالثی است که مبین ارتکاب قتل توسط متهم است، شهادت محسوب میشود. اگر مفاد ادله الکترونیکی، شهادت باشد، در این صورت نزد قاضی نیست و برخی شرایط لازم از قبیل سوگند را ندارد. البته داده‌های ایجاد شده به دلیل وجود اعتقاد متعارف بر عدم ایجاد خلاف واقع قابل استناد هستند (Moazen Zadehan & Roosta, 2017). در خصوص ارزش اثباتی شهادت الکترونیکی که از طریق سامانه‌های ویدئو کنفرانس و دیگر سامانه‌های ارتباطات الکترونیکی صورت میگیرد تبصره ۱ ماده ۶۵۵ ق.آ.د.ک. مقرر کرده است: «در کلیه مراحل تحقیق و رسیدگی حقوقی و کیفری و ارائه خدمات الکترونیک قضایی نمی‌توان صرفاً به لحاظ شکل یا نحوه تبادل اطلاعات الکترونیکی از اعتبار بخشیدن به محتوا و آثار قانونی آن خودداری نمود. در این ماده مقامات قضایی دادرسی و دادگاه مورد مکلفند شهادتی را که شاهد به صورت الکترونیکی انجام داده است، معتبر بدانند. البته این تکلیف مقامات قضایی به ترتیب اثر دادن به شهادت الکترونیکی، با توجه به صدر ماده ۶۵۵ ق.آ.د.ک. در صورتی است که: «صورت الکترونیکی شهادت

و یا محتوای الکترونیکی آن حسب مورد با رعایت سازوکارهای امنیتی پیش بینی شده در مقررات دادرسی الکترونیکی باشد. اگر شهادت الکترونیکی با رعایت و احراز همه شرایط خاص شهادت الکترونیکی و همچنین احراز شرایط عمومی شهادت و شاهد باشد، با توجه به مواد ۱۷۵ ق.م.ا. آن شهادت شهادت شرعی محسوب خواهد شد و اگر شاهد واجد شرایط شهادت نباشد، شهادت وی در حد اماره قضایی برای دادگاه معتبر خواهد بود.

ماده ۶۵۹ مقرر کرده است: «به کارگیری سامانه‌های ویدئو کنفرانس و سایر سامانه‌های ارتباطات الکترونیکی به منظور تحقیق از اصحاب دعوا اخذ شهادت از شهود... با توجه به این ماده مشخص است که قلمرو شهادت الکترونیکی هم دعاوی کیفری و هم دعاوی حقوقی اعم از مدنی و تجاری است (Cohen, 2004).

دلیل الکترونیک و اشکال آن

در دادرسی مدنی، ارائه دلیل به شکل سنتی شامل ارائه فیزیکی اسناد، شهادت حضوری، اقرار و سوگند در دادگاه است. با پیشرفت فناوری، ادله الکترونیکی به عنوان شکل نوین ارائه دلیل مطرح شده‌اند که به دو شکل عمده قابل ارائه هستند: ارائه از طریق سخت‌افزارهای حامل اطلاعات الکترونیک و ارائه به شکل برخط. این روش‌ها نیازمند امکانات و تجهیزات خاصی هستند که در ادامه بررسی می‌شوند.

سند الکترونیک به عنوان نوشته‌ای که روی صفحه نمایشگر نقش می‌بندد، در قانون تجارت الکترونیک ایران معادل نوشته سنتی شناخته شده است. ارائه سند الکترونیک در دادگاه می‌تواند به دو شکل انجام شود: ارائه فیزیکی سند الکترونیک (مانند دیسک‌ها) یا ارائه برخط. اعتبار سند الکترونیک منوط به اثبات اصالت، تمامیت اطلاعات و استفاده از ابزارهای مطمئن مانند امضای دیجیتال است. همچنین، سند الکترونیک باید به روشنی ادعای استنادکننده را ثابت کند. شهادت الکترونیک می‌تواند به دو شکل ارائه شود: ضبط شده

قضایی مانند برگزاری جلسات رسیدگی، استماع شهادت و ادای سوگند، سکوت قانونی وجود دارد. این سکوت باعث شده است که در مواردی که نیاز به مواجهه حضوری یا عملیات فیزیکی است، امکان معادل سازی الکترونیکی وجود نداشته باشد.

با وجود سکوت قانونی، ماده ۱۲ قانون تجارت الکترونیک همه انواع ادله الکترونیک از جمله سند، شهادت و سوگند را شامل می شود. این ماده نشان می دهد که قانونگذار امکان استناد به ادله الکترونیک را پذیرفته است. بنابراین، اگرچه تجهیزات لازم برای ارائه ادله الکترونیک در دادگاهها فراهم نیست، اما از نظر قانونی، ارائه این ادله امکان پذیر است. مشکل اصلی نبود زیرساخت های فنی و تجهیزات لازم در دادگاههاست، نه عدم امکان قانونی. در ایران، سیستم مدیریت پرونده های الکترونیک ایجاد شده است که امکان ارائه دادخواست، اصلاح آن، ارائه لوایح و پیگیری شکایت را فراهم می کند. این سیستم گام اولیه به سوی تحقق دادرسی الکترونیک است. با آموزش قضات و کارمندان و تجهیز دادگاهها به فناوری های لازم، می توان زمینه را برای گسترش دادرسی الکترونیک و ارائه ادله الکترونیک فراهم کرد.

در حال حاضر، هیچ منع قانونی برای ارائه ادله الکترونیک توسط اصحاب دعوا وجود ندارد. اگر ارائه دلیل به شکل سنتی ممکن نباشد یا ارائه نسخه الکترونیک ضروری باشد، دادگاه می تواند با تایید وسایل مورد نیاز، اجازه ارائه ادله الکترونیک را صادر کند. در این صورت، طرف دیگر دعوا نیز باید از این ارائه آگاهی داشته باشد تا بتواند از حقوق دفاعی خود استفاده کند (Karimi, 2011).

اعتبار ادله الکترونیک مانند شهادت و اقرار الکترونیک در دادگاهها نیازمند بررسی بیشتر است. در حالی که قانون تجارت الکترونیک امکان ارائه این ادله را فراهم کرده است، اما نبود تجهیزات و زیرساخت های لازم در دادگاهها مانع اصلی است. با این حال، در مواردی مانند عدم امکان حضور فیزیکی شاهد یا اقرارکننده،

در ابزارهای الکترونیک یا به صورت برخط. در حالی که شهادت ضبط شده ممکن است تنها به عنوان اماره تلقی شود، شهادت برخط با استفاده از تجهیزات صوتی و تصویری می تواند شرایط حضور شاهد در دادگاه را شبیه سازی کند. با این حال، به دلیل نگاه سنتی قانون مدنی و آیین دادرسی مدنی، اعتبار شهادت الکترونیک ممکن است محدود باشد و تنها در موارد خاصی مانند عدم امکان حضور فیزیکی شاهد قابل پذیرش باشد (Noori, 2005).

اقرار الکترونیک نیز مانند شهادت الکترونیک می تواند به صورت ضبط شده یا برخط ارائه شود. اقرار ضبط شده در ابزارهای الکترونیک معمولاً به عنوان اقرار خارج از دادگاه تلقی می شود، در حالی که اقرار برخط در صورت احراز شرایطی مانند حفظ تمامیت داده ها و استفاده از سیستم های مطمئن، می تواند به عنوان اقرار در دادگاه شناخته شود. این موضوع به ویژه در مواردی که اقرارکننده به صورت زنده و با استفاده از فناوری های ارتباطی در دادگاه حاضر می شود، اهمیت دارد.

با وجود مزایای ادله الکترونیکی مانند سرعت و سهولت در ارائه، چالش هایی مانند نبود تجهیزات کافی، هزینه های بالا و ناآشنایی با فناوری های جدید وجود دارد. همچنین، قوانین فعلی ممکن است به اندازه کافی با این تحولات هماهنگ نباشند. برای پذیرش گسترده تر ادله الکترونیکی، نیاز به اصلاح قوانین، آموزش قضات و حقوقدانان و ایجاد زیرساخت های فنی مناسب است تا حقوق دفاعی طرفین دعوا به طور کامل تضمین شود (Mohammadi & Miri, 2009).

جایگاه ادله الکترونیکی در دادرسی مدنی در نظام حقوقی ایران.

در حقوق ایران، مقررات خاصی در مورد ادله الکترونیک به جز قانون جرایم رایانه ای و قانون تجارت الکترونیک وجود ندارد. قانون تجارت الکترونیک نوشته و امضای الکترونیکی را معادل نوشته و امضای دستی دانسته است، اما در مورد سایر تشریفات

نگرانی‌هایی درباره افشای اطلاعات محرمانه در پرونده‌های حساس وجود دارد که باید با تدابیر امنیتی مناسب برطرف شود (Rezaei, 2008).

اصل برابری سلاح‌ها

اصل برابری سلاح‌ها به معنای برخورداری طرفین دعوا از فرصت‌های برابر برای ارائه ادله و دفاع از خود است. این اصل در نظام حقوقی ایران به عنوان یکی از اصول مهم دادرسی منصفانه شناخته می‌شود. دادرسی الکترونیکی می‌تواند به تحقق این اصل کمک کند، اما نیازمند زیرساخت‌های مناسب است. دادرسی الکترونیکی دسترسی برابر به پرونده‌های الکترونیکی و اسناد دیجیتال را برای طرفین دعوا فراهم می‌کند. این امر به ویژه در پرونده‌های پیچیده که نیاز به بررسی حجم زیادی از اسناد دارد، می‌تواند بسیار مفید باشد. همچنین، کاهش هزینه‌های مرتبط با حضور فیزیکی در دادگاه به نفع طرفین دعوا است. با این حال، عدم دسترسی برخی افراد به اینترنت یا دستگاه‌های دیجیتال، به ویژه در مناطق محروم، می‌تواند این اصل را تحت تأثیر قرار دهد. در نظام حقوقی ایران، که بر عدالت اجتماعی و دسترسی عادلانه به امکانات تأکید دارد، این موضوع نیازمند توجه ویژه است. همچنین، نیاز به آموزش طرفین دعوا و وکلای آن‌ها برای استفاده از سیستم‌های الکترونیکی وجود دارد (Mohammadi & Miri, 2009).

حق دفاع

حق دفاع در قانون اساسی ایران (اصل ۳۵) و قوانین آیین دادرسی کیفری و مدنی مورد تأکید قرار گرفته است. این حق به هر فرد این امکان را می‌دهد که در برابر اتهامات از خود دفاع کند. دادرسی الکترونیکی می‌تواند این حق را تقویت کند، اما نیازمند رفع برخی موانع است. دادرسی الکترونیکی امکان ارسال سریع و آسان اسناد و مدارک به صورت الکترونیکی را فراهم می‌کند. این امر به ویژه در پرونده‌هایی که نیاز به ارائه مدارک فوری دارند، بسیار مفید

می‌توان با تایید دادگاه، ادله الکترونیک را ارائه کرد. این رویکرد نیازمند اصلاح قوانین و تجهیز دادگاه‌ها به فناوری‌های لازم است تا حقوق دفاعی طرفین به طور کامل تضمین شود.

تأثیرات دادرسی الکترونیکی بر اصول بنیادین دادرسی در نظام

حقوقی ایران

دادرسی الکترونیکی به عنوان یک تحول نوین در نظام قضایی ایران، تأثیرات گسترده‌ای بر اصول بنیادین دادرسی دارد. این تأثیرات در نظام حقوقی ایران، با توجه به ویژگی‌های خاص آن از جمله تأکید بر قوانین شرعی، اصول قانون اساسی و ساختار قضایی منحصر به فرد، نیازمند بررسی دقیق و جامع است. در ادامه، تأثیرات دادرسی الکترونیکی بر هر یک از اصول بنیادین دادرسی در نظام حقوقی ایران به صورت یکپارچه و با جزئیات کامل بررسی می‌شود:

اصل علنی بودن

اصل علنی بودن دادرسی در قانون اساسی ایران (اصل ۱۶۵) و قوانین آیین دادرسی مدنی و کیفری مورد تأکید قرار گرفته است. این اصل به معنای برگزاری جلسات دادگاه به صورت عمومی و قابل مشاهده برای عموم است تا شفافیت و اعتماد به نظام قضایی افزایش یابد. دادرسی الکترونیکی می‌تواند این اصل را در نظام حقوقی ایران تقویت کند، اما چالش‌هایی نیز به همراه دارد.

دادرسی الکترونیکی با استفاده از فناوری‌هایی مانند پخش زنده جلسات دادگاه، دسترسی عموم به فرآیندهای قضایی را افزایش می‌دهد. این امر به ویژه در پرونده‌های مهم و عمومی می‌تواند شفافیت را بیشتر کرده و اعتماد عمومی به نظام قضایی را بهبود بخشد. همچنین، ثبت دیجیتال تمام مراحل دادرسی امکان بازبینی و نظارت عمومی را فراهم می‌کند. با این حال، خطر نقض حریم خصوصی افراد به دلیل انتشار اطلاعات در فضای مجازی وجود دارد. در نظام حقوقی ایران، که بر حفظ حریم خصوصی و حرمت افراد تأکید دارد، این موضوع نیازمند مدیریت دقیق است. همچنین،

مرتبط با چاپ و ارسال اسناد را کاهش می‌دهد. با این حال، خطر کاهش کیفیت رسیدگی به دلیل افزایش سرعت وجود دارد. در نظام حقوقی ایران، که بر دقت و عدالت تأکید دارد، این موضوع نیازمند تعادل بین سرعت و کیفیت است. همچنین، نیاز به آموزش قضات و کارکنان دادگاه برای استفاده از فناوری‌های جدید وجود دارد (Karimi, 2011).

دسترسی به عدالت

دادرسی الکترونیکی می‌تواند دسترسی به عدالت را در نظام حقوقی ایران بهبود بخشد، به ویژه برای افرادی که به دلایلی مانند مسافت یا محدودیت‌های فیزیکی قادر به حضور فیزیکی در دادگاه نیستند. دادرسی الکترونیکی امکان شرکت در جلسات دادگاه از راه دور را فراهم می‌کند. این امر به ویژه برای افراد ساکن در مناطق دورافتاده بسیار مفید است. همچنین، کاهش هزینه‌های سفر و حضور در دادگاه، دسترسی به عدالت را تسهیل می‌کند. با این حال، عدم دسترسی برخی افراد به اینترنت یا دستگاه‌های دیجیتال می‌تواند این مزایا را محدود کند. در نظام حقوقی ایران، که بر عدالت اجتماعی تأکید دارد، این موضوع نیازمند ایجاد زیرساخت‌های فنی در مناطق محروم است.

شفافیت و پاسخگویی

دادرسی الکترونیکی می‌تواند شفافیت و پاسخگویی نظام قضایی ایران را افزایش دهد، زیرا تمام مراحل دادرسی به صورت دیجیتال ثبت و قابل ردیابی هستند. دادرسی الکترونیکی امکان نظارت عمومی بر فرآیندهای قضایی را فراهم می‌کند. این امر به ویژه در پرونده‌های حساس می‌تواند اعتماد عمومی را افزایش دهد. همچنین، ثبت دقیق و مستند تمام مراحل دادرسی، شفافیت را افزایش می‌دهد. با این حال، خطر نقض حریم خصوصی به دلیل ثبت گسترده اطلاعات وجود دارد. در نظام حقوقی ایران، که بر حفظ حریم خصوصی تأکید دارد، این موضوع نیازمند تدابیر امنیتی مناسب است (Mohammadi & Miri, 2009).

است. همچنین، استفاده از ویدئوکنفرانس برای ارتباط با وکیل یا نماینده قانونی، دسترسی به حق دفاع را تسهیل می‌کند. با این حال، عدم آشنایی برخی افراد با فناوری‌های دیجیتال می‌تواند این حق را تحت تأثیر قرار دهد. در نظام حقوقی ایران، که بر حمایت از حقوق افراد تأکید دارد، این موضوع نیازمند آموزش و پشتیبانی فنی است. همچنین، مشکلات فنی مانند قطعی اینترنت یا خرابی سیستم‌ها ممکن است روند دادرسی را مختل کند.

اصل استقلال قضایی

اصل استقلال قضایی در قانون اساسی ایران (اصل ۱۵۶) به عنوان یکی از اصول اساسی نظام قضایی مورد تأکید قرار گرفته است. این اصل به معنای تصمیم‌گیری قضات بر اساس قانون و عدالت، بدون تأثیرپذیری از فشارهای خارجی است. دادرسی الکترونیکی می‌تواند این اصل را تقویت کند، اما نیازمند امنیت بالا است. دادرسی الکترونیکی با کاهش دخالت انسان در فرآیندهای اداری، دقت و بی‌طرفی قضات را افزایش می‌دهد. همچنین، امکان ثبت و ردیابی تمام مراحل دادرسی برای جلوگیری از نفوذ خارجی وجود دارد. این امر شفافیت و پاسخگویی قضات را افزایش می‌دهد. با این حال، خطر نفوذ به سیستم‌های الکترونیکی و دستکاری در داده‌ها وجود دارد. در نظام حقوقی ایران، که بر استقلال قضایی تأکید دارد، این موضوع نیازمند امنیت بالا و تدابیر حفاظتی مناسب است. همچنین، احتمال کاهش ارتباط مستقیم قضات با طرفین دعوا و تأثیر آن بر تصمیم‌گیری وجود دارد (Noori, 2005).

سرعت و کارایی

دادرسی الکترونیکی می‌تواند سرعت و کارایی فرآیندهای قضایی را در نظام حقوقی ایران افزایش دهد، که این امر به نفع همه طرفین دعوا است. دادرسی الکترونیکی زمان رسیدگی به پرونده‌ها را با حذف مراحل اداری زمان‌بر کاهش می‌دهد. این امر به ویژه در پرونده‌های با اولویت بالا بسیار مفید است. همچنین، امکان برگزاری جلسات دادگاه بدون نیاز به حضور فیزیکی، هزینه‌های

نتیجه‌گیری

دادرسی الکترونیکی می‌تواند شفافیت، سرعت و دسترسی به عدالت را افزایش دهد، اما چالش‌هایی مانند حفظ حریم خصوصی، برابری دسترسی به فناوری و امنیت سیستم‌ها نیز وجود دارد. برای بهره‌برداری کامل از مزایای دادرسی الکترونیکی، باید این چالش‌ها به دقت مدیریت شده و اصول بنیادین دادرسی به طور کامل رعایت شوند. این امر نیازمند همکاری بین نهادهای قضایی، قانون‌گذاران و متخصصان فناوری اطلاعات است. با وجود تصویب قانون تجارت الکترونیک، ادله الکترونیکی در محاکم به طور کامل پذیرفته نشده‌اند. قضات ممکن است به دلیل نبود قوانین مشخص یا تردید در ارزش اثباتی این ادله، در پذیرش آن‌ها مقاومت کنند. پیشنهاد می‌شود دوره‌های آموزشی تخصصی برای قضات برگزار شود تا با ادله الکترونیکی و جرایم سایبری بیشتر آشنا شوند. همچنین، قانون‌گذار باید راهکارهای فنی مطمئن برای اثبات ادله الکترونیکی ارائه کند.

فناوری اطلاعات و ارتباطات نباید اصول بنیادین دادرسی مانند حق دسترسی به نسخه کاغذی و رعایت حقوق دفاعی را نادیده بگیرد. نظام دادرسی باید امکان عدول از روش‌های الکترونیکی را برای دادخواهان فراهم کند تا سازگاری تدریجی با تحولات فناوری امکان‌پذیر باشد. این رویکرد تضمین می‌کند که تحولات

regarding data privacy, equitable access to technology, and the integrity of legal procedures. In this context, the foundational principles of due process—such as the right to defense, public hearings, judicial independence, and evidentiary standards—must be rigorously preserved and adapted to the new digital landscape (Eftekhari Jahromi & Al-San, 2014). Legal scholars emphasize the necessity of grounding electronic litigation in a robust legal framework, where statutory recognition of digital tools, validation of electronic evidence, and security protocols converge to ensure both legitimacy and fairness (Ansari Far, 2016). Such a framework

فناوری در تعامل با اصول سنتی دادرسی اجرا شوند. با توجه به گسترش فناوری و سوءاستفاده از آن، پیشنهاد می‌شود قانون‌گذار قانونی صریح برای ممنوعیت ضبط صدا یا تصویر بدون رضایت افراد تصویب کند. چنین قانونی از حقوق شهروندی محافظت کرده و ادله غیرقانونی را در مراجع قضایی غیرقابل استناد می‌کند. این اقدام به ویژه با توجه به امکان تحریف صدا و تصویر با نرم‌افزارهای رایگان ضروری است.

برای تحقق دادرسی الکترونیکی، نیاز به بهبود زیرساخت‌های فنی و فرهنگ‌سازی در میان نهادهای قضایی و عموم مردم است. تخصیص بخشی از درآمد نهادهای قضایی به الکترونیک کردن دادرسی، ایجاد نهادهای تخصصی دادرسی الکترونیکی و آگاهی‌بخشی به مردم درباره مزایای این فناوری‌ها می‌تواند کارکردهای منفی را کاهش داده و اعتماد عمومی را افزایش دهد. همچنین، اصلاح قوانین برای نظم‌بخشی به مراحل جمع‌آوری و ارائه ادله الکترونیکی ضروری است.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

Electronic litigation has emerged as a transformative development in the Iranian legal system, reshaping the administration of justice through the integration of digital technologies. This transformation introduces both significant opportunities and pressing challenges. Among the most pronounced benefits are the enhancement of procedural efficiency, reduction in litigation delays, and improved access to justice, particularly for marginalized groups and those in geographically distant locations (Esmaeili, 2021). However, the digitalization of legal proceedings also raises complex concerns

must also facilitate the equal participation of all citizens regardless of socioeconomic status or digital literacy, in line with the principle of equality before the law (Pourghahramani & Ghaderi, 2022).

A critical dimension of this transition is the legal treatment and evidentiary value of electronic data. Iranian legislation, particularly the Electronic Commerce Act, recognizes the admissibility of data messages and equates them, under specific security conditions, to traditional written documents (Shirzad, 2009). Nonetheless, concerns persist over the criteria required for establishing the authenticity, reliability, and integrity of such evidence. Articles 12 through 15 of the Act assert the probative value of secure data messages, rendering them equivalent to written documents if created and stored under reliable conditions (Shiravi & Miri, 2008). These provisions, however, assume the existence of technologically advanced judicial infrastructures, which are not uniformly accessible across Iranian courts. The acknowledgment of electronic confessions, testimonies, and other digital formats—although conceptually endorsed—requires systematic validation mechanisms and security procedures to prevent forgery or manipulation (Gharjehloo, 2007). The principle of transparency further necessitates that public access to trials is preserved in online formats, raising delicate questions about privacy and data protection (Ensafdoost et al., 2023). Moreover, the legislative framework must clarify the priority between physical and digital records in cases of contradiction, especially when judicial outcomes hinge on the precise content or form of documents submitted electronically (Jafari Langaroudi, 2009).

Another core issue is the procedural right to withdraw from electronic litigation methods. The adoption of ICT in legal processes, although beneficial, should not be coercive.

Instead, it must rest on mutual consent, safeguarding litigants' autonomy and comprehension (Ashouri, 2006). This is particularly pertinent for individuals unfamiliar with digital tools or those lacking the financial resources to procure necessary technologies (Soltani, 2022). In Iran, a hybrid model has emerged wherein electronic service of documents is conditional upon authentication and user consent, as seen in the "Sana" system. Nevertheless, the legal vacuum concerning the reversibility of electronic procedure post-initiation poses practical dilemmas. Some scholars advocate for the differentiation between professional actors (e.g., attorneys) and ordinary litigants, suggesting that while professionals may bear higher procedural obligations, non-expert citizens should retain the right to revert to paper-based processes in the face of technical or financial constraints (Katouzian, 2011). This distinction aligns with broader principles of procedural equity and the need to accommodate varying levels of technological competency in the judicial process.

The procedural architecture of electronic litigation must also prioritize the preservation of fundamental rights, particularly the right to defense. This right, which encompasses access to information, the ability to retain counsel, and participation in open hearings, faces novel threats in digital settings. Technical failures, digital illiteracy, and unequal access to secure internet connections can compromise defendants' capacity to mount an effective defense (Linan Deblefon & Sattar, 2011). Thus, Iranian courts are urged to exercise discretion in granting deadline extensions or permitting traditional methods when technological barriers impede fair participation. Moreover, digital interfaces must be designed with user accessibility in mind, ensuring intuitive navigation and multilingual support to prevent inadvertent procedural disadvantages. To further uphold the right to

defense, systems must facilitate secure communication between defendants and legal representatives and enable real-time participation in virtual hearings through reliable audio-visual technology (Noori, 2005). Procedural safeguards, such as encryption and digital signatures, must be institutionalized to authenticate documents and communications, thereby reinforcing the evidentiary and procedural legitimacy of digital interactions (Kakavandi, 2022).

The institutional implementation of electronic litigation has cascading implications for judicial independence, public accountability, and procedural transparency. On one hand, automation of procedural stages can minimize human bias and administrative error, thereby enhancing impartiality. On the other, the centralization and digitization of judicial data invite cybersecurity risks and potential political interference. Provisions must be made for shielding judicial databases from unauthorized access and for ensuring that judges retain full autonomy in their decision-making, independent of system-generated recommendations or external monitoring (Azartash & Azartash, 2009). Additionally, public confidence in digital trials depends on the openness of proceedings; tools such as video streaming and online archives must be balanced with data protection laws that prevent the dissemination of sensitive personal information (Rezaei, 2008). Here, the legal system must establish thresholds for public disclosure and delineate protocols for anonymizing records when necessary. Moreover, courts must be equipped with mechanisms to log and audit every step of a digital case file, enabling oversight bodies and appellate authorities to verify procedural integrity (Karimi, 2011). These protocols contribute to building a culture of accountability, a cornerstone of both democratic governance and credible legal systems.

In conclusion, the institutionalization of electronic litigation in Iran marks a paradigm shift that holds the promise of increased efficiency, accessibility, and transparency in the legal process. However, these benefits can only be fully realized if the legal and infrastructural ecosystem is reengineered to uphold the foundational principles of due process. Comprehensive reforms are needed to harmonize traditional procedural norms with digital innovations, incorporating legal safeguards, technical reliability, and ethical oversight. Such transformation requires not only statutory clarity but also judicial training, public education, and robust technical support. The transition must be inclusive, ensuring that technological advancement does not engender new forms of inequality or procedural injustice. Ultimately, the success of electronic litigation in Iran will hinge on its capacity to deliver justice that is not only faster and more accessible, but also fundamentally fair and constitutionally sound.

References

- Ansari Far, Z. (2016). The Nature and Role of Electronic Evidence in Proving Civil and Criminal Cases. Khorramabad.
- Ansari, M., & Taheri, M. A. (2005). *Encyclopedia of Private Law* (Vol. 2). Mehrab Fekr Publications.
- Ashouri, M. (2006). *Criminal Procedure*. Samt Publishing.
- Azartash, A., & Azartash, A. (2009). *Contemporary Arabic-Persian Dictionary*. Ney Publishing.
- Bahrami, B. (2014). *Practical Civil Procedure* (Vol. 1). Negah Bayyeneh.
- Cohen, A. (2004). Electronic Surveillance and Its Overview Based on Islamic Jurisprudence Teachings. *Specialized Quarterly on Jurisprudence and Law*, 1(2).
- Eftekhari Jahromi, G., & Al-San, M. (2014). *Civil Procedure*. Dour Andishan Publications.
- Ensafdoost, M., Esmaeili, M., & Hajitabar Firoozjai, H. (2023). Comparative Study of Virtual Testimony in the Framework of Electronic Litigation. *Comparative Criminal Jurisprudence Quarterly*, 3(2).
- Esmaeili, H. S. S. R. (2021). Reliance on Electronic Evidence and Its Validity in the Arbitration

Process of Commercial Disputes in Cyberspace: Opportunities and Challenges. Tehran.

- Etemadi, F. (2005). *Iran-U.S. Claims Tribunal*. Ganj Danesh Library.
- Gharjehloo, A. (2007). *Presumptions and Criminal Clues in Iranian and English Law*.
- Jafari Langeroudi, M. J. (2009). *Comprehensive Terminology of Law* (Vol. 3). Ganj Danesh Library.
- Jafari Langeroudi, M. J. (2013). *Legal Encyclopedia* (Vol. 3). Ganj Danesh Publications.
- Kakavandi, O. (2022). Examining the Evidentiary Power of Electronic Documents Compared to Other Evidence in Proving Claims. *Legal Quarterly of Qanoon Yar*, 6(21).
- Karimi, M. (2011). *Collection and Admissibility of Electronic Evidence in Iranian Criminal Law*.
- Katouzian, N. (2011). *Res Judicata in Civil Litigation*. Dadgostar Publications.
- Linan Deblefon, Z., & Sattar, Z. (2011). *Electronic Commerce Law with Analysis of Iran's Electronic Commerce Law*. Institute for Legal Studies and Research of Shahre Danesh.
- Moazen Zadegan, H., & Roosta, N. (2017). Electronic Litigation in Confrontation with Cyber Crimes: Challenges and Essentials. *Judiciary Legal Journal*, 178.
- Mohammadi, S., & Miri, H. (2009). Comparative Study of Presenting Electronic Evidence in Court: Forms and Validity. *Mofid Journal of Comparative Studies and Law*, 174.
- Noori, S. M. (2005). Legal Principles of Electronic Commerce with Emphasis on Iran's Electronic Commerce Law. *Quarterly Journal of Seminary and University*, 11(44), 124.
- Pourghahramani, B., & Ghaderi, R. (2022). Comparative Study of the Evaluation of Electronic Evidence in the Criminal Justice Systems of Iran and China. *Quarterly Journal of Legal Studies in Cyberspace*, 1(1).
- Ragheb Esfahani, A. A.-Q. A.-H. i. M. *Al-Mufradat Fi Al-Quran*. Maktab Al-Murtazawiyah Publications.
- Rezaei, A. (2008). *Electronic Commerce Law*. Mizan Publications.
- Shiravi, A., & Miri, H. (2008). Comparative Study of Electronic Transfer of Commercial Documents (Drafts, Promissory Notes, and Checks). *Journal of Private Law Thoughts, Qom University of Tehran (Qom Campus)*(13).
- Shirzad, K. (2009). *Cyber Crimes from the Perspective of Iranian Criminal Law and International Law*. Behineh Faragir Publishing Company.
- Soltani, Z. (2022).
- Stanley, P. (2012). *The Law of Confidentiality*. Ketab Hamgan Publications.
- Tadayyon, A. (2012). *Imposition of Evidence in Criminal Procedure*. Mizan Publishing.